



۲۰۱۸/۰۸/۱۵



محمد ولی آریا

یک توضیح، نه یک پاسخ

قبل از آن که به ارائه مطالبی بپردازم که دانشمند محترم و وطن خواه گرامی جناب نوری به ارتباط مضمون «باز همان نسخه کشده» از این نویسنده مطالبه کرده اند، نخست مراتب امتنان خود را در تنظیم و انتشار و پیراستن مضامین خویش خدمت شان صمیمانه ابراز نموده و علاقه شان را به نوشته های خویش سپاس می گویم.

جناب محترم نوری در یادداشتی در کلکینچه نظریات وبسایت وزین آریانا افغانستان به خاطر افزودن کلمات «و بر بادی افغانستان» در اخیر عنوان مضمون اینجانب، معذرت خواسته اند، که باید خدمت جناب شان عرض کنم که آن افزایش نه تنها باعث نا رضایتی من نشد بلکه باعث خوشنودی ام گشت، زیرا دانستم که مطالب مندرجه آن مضمون مورد تائید و تأکید انسان وطن دوستی چون ایشان قرار گرفته است که با افزودن آن کلمات، عنوان را از ابهام بیرون کشیده آنرا متباز تر ساخته اند. اگر چه باید این توضیحات را در همان بخش نظریات میدادم؛ اما از آن جای که پرداختن به مطالب مورد نظر از حوصله گنجایش در محدوده بخش نظریات فرا می رفت لذا آنرا بصورت مستقل ارائه کرده ام.

اکنون به مطالب مورد مطالبه جناب محترم نوری در قید همان شماره ها به توضیحات می پردازم .

یک – متن سخنرانی سفیر امریکا در هند، در صورت امکان با اسم او و تاریخ و محل و موضوع صحبت؟

توضیح – بین ماه های جولای و اگست سال «دو هزار و ده» عیسوی یعنی هشت سال قبل، در افغانستان، تلویزیون های مشهور و بخصوص رادیو تلویزیون دولتی افغانستان در بخش اخبار خویش اعلان کردند که سفیر ایالات متحده در هند در سخن رانی ای ابراز کرده است که چون قسمتی از افغانستان که تأمین امنیت در آنجا ها ممکن نیست باید منحصت یک منطقه جدا گانه وا گذار و اداره گردد. این خبر در محافل آگاه ملی تشویش هائی را دامن زد که صرف دو حرکت سیاسی یکی «جنبش مترقی دموکرات افغانستان» در ارگان نشراتی خویش «مساوات» و دیگر سازمان سیاسی به رهبری جناب «عالمی بلخی»، فرزند مبارز نستوه علامه «سید اسماعیل بلخی» در ارگان نشراتی شان آنرا به شدت تقبیح و تردید کردند که هم زمان سخنگوی دولت در یک کنفرانس مطبوعاتی این طرح را خلاف تمامیت ارضی افغانستان خواند و تقبیح گونه به تردید آن پرداخت و در نتیجه این طرح ظاهراً به خاموشی گرائید. سفیر زمان ایالات متحده امریکا در هند «تممتی جی رومر» بود که این پست را از ماه اگست «دو هزار و نه» ع تا ماه جون سال «دو هزار و یازده» ع به عهده داشت. متن مکمل صحبت سفیر مذکور را علاقمندان می توانند یا در آرشیف خبری رادیو تلویزیون افغانستان و یا آرشیف وزرات خارجه ایالات متحده سراغ کنند .

دو – متن بیانات سناتور انگلیس در لندن با تذکر اسم وی و تاریخ بیانیه اش؟

توضیح – بتاريخ هفت اگست سال «دو هزار و هفده» مضمونی به قلم جناب محترم داکتر سخی اشرف زی در وبسایت آریانا افغانستان زیر عنوان «تغییر نظام سیاسی، «آب در هاون کوبیدن است» به نشر رسید که حاکی از یک خبردر بی بی سی لندن بود مبنی بر اینکه یک عضو محافظه کار پارلمان انگلستان بنام «توبیس الیود» طرحی را برای حل بحران افغانستان تحت عنوان «طرح سی» پیشنهاد نموده که افغانستان بائیسیت به هشت منطقه تقسیم شود و برخی از این مناطق تحت تصرف

طالبان اداره شود و این طرح را عضو پارلمان انگلیس به « ویلیام هیگ » وزیر خارجه بریتانیا ارائه نمود و وزیر خارجه انگلستان « طرح سی » را با مقامات قصر سفید در واشنگتن نیز به بحث و گفتگو کشیده است .

این نویسنده که چنین طرحی را تداوم یک ستراتیژی سنجیده شده برضد منافع ملی، حاکمیت ساحه و تمامیت ارضی افغانستان و ادامه همان نسخه کهن دانست، در زیر عنوان «یک نسخه کشنده دیگر» بتاريخ دهم اگست سال «دو هزار و هفده» مضمونی را در وبسایت وزین آریانا افغانستان منتشر ساخت، که هموطنان می توانند آنرا در آرشیف نویسندگان، مورد مطالعه قرار دهند. سه – متن مکمل مقاله در روزنامه و یاهفته نامه مساوات در کابل و تاریخ نشر آن؟ این است کاپی صفحه اول مساوات ماه اگست سال «دو هزار و ده» و مضمون «یک نسخه کشنده»:

متن کامل مضمون «یک نسخه کشنده» منتشره اگست «دو هزار و ده» میلادی در جریده مساوات:

یک نسخه کشنده



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مساوات

د افغانستان د مترقی دموکرات د افکارو خپرونکی

دوه ویشتمه گڼه
۱۳۸۹ د غزبر میاشت
۲۰۱۰ د میلادی اگست میاشت
لغری مخ

ملتی اسیر خودی

این عنوان در سدد نیست تا وجود قوه هائی را در کشورنا دیده نگارد و یا مداخلات ناگوار همسایگان را که بی یاکانه بر کلیه شئون حیات سیاسی ما اثر می گذارند با اغماض منگرد

اما آنچه را این مقال دربی تعریف و توضیح آن است، گونه ای دیگری از اسارت است که تا حال کمتر فرهنگی نظیر آنرا ثبت خویش دارد.

چه ملت ها یا اسیر بیگانه بوده اند، ویا در بند ستم یک رژیم مستبد داخلی دست ویا می زنند که می تواند آنها را در زنجیر اسارت ببیند.

اما اسیر خودی ریشه وشبوه دیگری دارد، با وجودیکه می تواند روابط گسترده و محکمی با شیوه های کهن و کلاسیک اسارت مخوف داشته باشد، که بصورت متقابل می توانند عمد و موید همدیگر باشند. اما شیوه گسترش و وفشارنشی از اسارت خودی بریک اجتماع انسانی درد و مشتقی به گونه دیگری آفریند. بقیه در صفحه ۲

قانون جدید احزاب، مشروعیت ندارد

تاریخ یازدهم سنبله ۱۳۸۸ در جریده رسمی وزارت عدلیه، قانونی بنام قانون احزاب به نشر رسید که حاکی از ثبت دوباره احزاب، اما با تصداده هزارنفر در ظرف شش ماه آینده بود.

شاید عده ای با یک دید سطحی چنین تصور کنند که گویا حکومت و پارلمانی، که همه به ماهیت و کیفیت آنها آگاه هستیم، با یک قصد خیره، ما را از ستم تعدد احزاب سیاسی در کشور نجات میدهند

که باید مختصرنذکر داد که، اولاً تعدد و کثرت احزاب سیاسی در کشوری نوبوه شعور و رشد سیاسی چون افغانستان، نه تنها به تکوین برونه سیاسی صدمه نمی زند، بلکه لازمه تکامل سیاسی در کشور است که این بحثی است نسبتاً شرح.

اما به یقین توسل به چنین اقدامی با تصویب پارلمان و توشیح حکومت، صرف مین یک هدف عمده است، و آن تجدید وکاهش سازمان ها و افکار سیاسی در محدوده منافع یک استبداد نو خاسته و... بقیه در صفحه ۲

یک نسخه کشنده

آسیا یک بیکر آب و گل است کشور افغان در آن بیکر دل است
از وفای او وفای سیاست از شقاق او شقاق آسیاست

اقبال اندیشه ور شرق به گزاف نگفته بود، و آنچه را ما در شعر او دست برده ایم بر خطا نرفته ایم، ایسن واقعیتی است که تاریخ چند هزار ساله این خطه آنرا گواه است و تاریخ جهانتگشایان آنرا چون خاطره ای دردناک در خود ثبت دارد.

صدتی است در جو سیاسی افغانستان، توشحاتی از گفتار یکی از اراکین غربی پراکنده شده، حاکی از آنست که چون قسمتی از افغانستان که تأمین امنیت در آنجا ها بر حسب دلخواه آنان نیست، باید منحت یک منطقه جدا گانه واگذار و اداره گردد. بقیه در صفحه ۳

ملت آگاه، مومن، و معصوم افغانستان

رای شما نمایانگر قدرت قضاوت شماست
رای شما بیانگر وجدان بیدار شماست
رای شما تثبیت کننده حیات شما واینده فرزندان شماست.
رای شما حکایتگر حیثیت سیاسی شماست.

آنرا به فروش نگذارید، آنرا بر اساس علائق تبعیضی قومی و محلی و مذهبی و لسانی به کالسیکاران سیاسی ندهید.
رای تانرا بر اساس قضاوت وجدان، حکم ایمان، عقل بیدار و قلب پاک برای اعتلای حیات خود و فرزندان تان بدهید.

« آسیا یک پیکر آب و گل است کشور افغان در آن پیکر دل است » از وفاق او وفاق آسیاست از شقاق او شقاق آسیاست

اقبال اندیشه و شرق به گزاف نگفته بود، و آنچه را ما در شعر او دست برده ایم بر خطا نرفته ایم. این واقعیتی است که تاریخ چند هزار ساله این خطه آنرا گواه است، و تاریخ جهانگشایان آنرا چون خاطره ای دردناک در خود ثبت دارد.

مدتی است در جو سیاسی افغانستان، تشوشاتی از گفتار یکی از اراکین غربی پراکنده شده، حاکی از آنست که چون قسمتی از افغانستان که تأمین امنیت در آنجا ها بر حسب دلخواه نیست، باید منحصراً یک منطقه جداگانه و آگذار و اداره گردد.

اگرچه به درستی دانسته نمی شود که چنین نسخه ای بر اساس کدام طرح استراتژیک از کجراه داده شده است تا انعکاسات آنرا در افغانستان و منطقه ارزیابی کنند و یا آنکه این طیب نادان بدون شناخت مریض و عوامل بیماری آن خواسته است یک نسخه به اصطلاح چره ای بدهد تا از کاروان طیبیان سیاسی عقب نماند.

بناءً اگر این داروی مرگزا محصول ذهن کند این نسخه نویسنده آماتور باشد، واجد اهمیت بسیار نیست، که منطقی ترین پاسخ به آن اینست، که این نسخه را به آتش کشید و خاکستر آنرا بر رخس مالید. زیرا هم ما و هم جهانیان از چنین تقسیمات گرگ منشانه، تجارب تاریخی ای داریم که تا اکنون در آتش آن می سوزیم که دیگر نه حوصله سوختن بیشتر داریم، و نه در برابر چنین توطئه هائی خاموش و ناظر خواهیم بود.

اگر طرحی و یا استراتژی ای در این راستا در مجامع و محافل وجود دارد، باید بر آن تأمل کرد که این بحثی خواهد بود در خور یک بررسی همه جانبه نظامی، سیاسی و اقتصادی، که با توجه به شرایط و عوامل جیوپولیتیک منطقه و واکنش های احتمالاً وخیم میلیون مسلمان افغانستان، و با توجه به یک محاصره سیاسی و اقتصادی حیات کتله های وسیعی در افغانستان و نقاضت های ناشی از آن، و صد عوامل ناگوار دموگرافیک ملی و منطقی، که نتیجه آن به مراتب ناگوار تر و وخیم تر و حتی خونین تر برای ملت افغانستان خواهد بود که ناگواری های محدود کنونی در دفع دهشت افگنی را از حافظه مردم افغانستان و جهان خواهد زدود. ملت افغانستان همین اکنون زخمی خونینی از چنین تقسیمات استعماری را بنام « دیورند » در قلب خویش دارد و تا حال که صد سال از آن می گذرد، هنوز نتایج آن و تأثیرات آن، خواب را بر مردمان هر دو طرف حرام کرده است.

هم چنان ما مصیبت این کنند ها و پیوستن ها را در نیم قاره هند و بنگلادیش به خاطر داریم. لذا تا زمانیکه منبع و منشأ این نظر بخوبی مشخص نشده است نمی شود آنرا به یک بحث جدی کشاند؛ اما از آنجائیکه ملت با شهامت و آگاه ولی مجروح افغانستان منحصراً یک ملت تاریخی حق دارد بر تمامیت ارضی و استقلال سیاسی خود با تمام وجود پا بفشارد. نخست باید پرسید که آیا مایه سر افگندگی نیست که پنجاه کشور قدرت مند جهان با صد ها هزار سپاه و ساز و برگ سلاح های محیرالعقول خویش نتوانند، چند هزار تخریب کار را به عقب بزنند و چنان احساس درماندگی کنند که بخواهند بین خود و آنها دیوار کنند؟

آنهایی که آمده بودند تا دهشت افگنی را محو کنند، حال خو از شر آن آن پناه می جویند. ثانیاً کسانی که نتوانند جلو یک قوای محدود و پراکنده و متواری در دشت ها و کوه ها را سد کنند، آیا زمانی که آن ها منطقه عظیمی را چون سر زمین مستقل بر خوردار شوند، آیا این دهشت افگنی انفرادی و پراکنده، به یک دهشت افگنی حکومتی یک رژیم مستقل، مبدل نخواهد شد؟ شاید هم این طرح بعد دیگری داشته باشد، چه ما از انتقال دسته ای مسلح مخرب از راه هوا به شمال کشور خاطره بسیار تازه داریم که شاید با این طرح در آینده چنین دسته های به مناطق مختلفی اعزام گردند.

پایان مضمون منتشر شده در مساوات

چهار – سند تائید ائتلاف به اصطلاح نجات ملی ، مبنی بر تائید این پروژه؟

توضیح- باید متذکر شد که این نویسنده در مضمون مورد بحث، ذکری از کدام ائتلاف نجات ملی به میان نیاورده است، به دلیل آنکه تجارب فراوانی از چنین ائتلاف هائی که هر روز بسته و شکسته می شود دارد. بخصوص وقتی منافع ملی، تمامیت ارضی، حاکمیت قانون و تمثیل اراده ملت افغانستان مورد سوال است همه این عناصر بر دهل نفاق و شفاق می کوبند و زمانیکه منافع شخصی و قدرت طلبی محلی شان مواجه به تخریش و تحدید می شود در زیر عناوین فریبنده نجات ملی و امثال آن، یکجا می شوند تا دکان های افتراق ملی را با متاع های جعلی در دفاع از زبان قوم و مذهب باز نگه دارند .

باید جداً متذکر شد این صرفاً یک کشت شوم در یک سمت این پلوان مذموم نیست بلکه هر دو جهت این پلوان شر انگیز افتراق، مسؤل و محکوم تاریخ ملت افغانستان هستند.

در مورد اینکه تائید طرح تقسیم و تفکیک ارضی افغانستان به همان حاکمیت های محلی دزدان و قاچاقبران و جنگ سالاران خدمت می کند که هدف عمده و نهائی آن، یک فدرالیزم دموکراتیک و اصولی و سنجیده شده ملی نیست که بر اساس ضرورت عمیق ملی و در یک مقطع سالم سیاسی بانیست مطرح شود ؛ بلکه این یک فدرالیزم نامنهاد است که چپاولگران می خواهند قسمت هائی از خاک کشور را قبضه کنند و در هر جائی پاتک های برای اخاذی تعبیه نمایند و پاسپورت های قومی، نه ملی و اسعار خارجی، نه ملی، معیار روابط و معاملات باشد، و تبعیض و تعصب قومی و محلی و زبانی ملت افغانستان را در کشور خودشان زندانی سازد . بنابراین اگر این عناصر بصورت علنی از این از طرح استقبال نمی کنند، دال بر حسن نیت ملی آنها نیست ؛ بلکه سکوت و سکون آنها در برابر چنین طرحی خود گویای نیت پنهان آنهاست .

پایان

